



آقای جغد توضیح داد: «ما در یک محله زندگی می‌کنیم. محله‌ی ما  
تشکیل شده از خانه‌ها و مغازه‌ها و...»

حلزون گفت: «باغ‌ها!»

سمور اضافه کرد: «و بیمارستان‌ها.»

آقای جغد گفت: «دقیقاً. حالا از شما می‌خواهم برای فردا چیزی را  
که توی محله‌مان از همه بیشتر دوست دارید، نقاشی کنید.»

فرانکلین پرسید: «شما چه چیزی را بیشتر از همه دوست دارید؟»

آقای جغد یک لحظه فکر کرد و بلافاصله پاسخ داد: «مدرسه.»

همه به پاسخ آقای جغد خندیدند.

